

قهر شهرستان‌ها با سینمای ایران

نگاهی به آمار سینماها نشان می‌دهد فروش فیلم‌ها در مجموع شهرستان‌ها ۸ درصد از تهران کمتر است



میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

تعداد مخاطبان سینمای ایران در پایان سال ۱۳۹۶ به یک‌چهارم عددی رسید که آمارها در پایان دهه ۶۰ نشان می‌دادند. سینمای ایران در سال ۶۸ که نقطه تحول در سیاست‌گذاری‌های کلان کشوری و به تبع آن امروز فرهنگی بود، بیش‌تر از ۸۰ میلیون مخاطب داشت، درحالی‌که جمعیت ایران از آن‌روز تا به حال چند میلیون نفر بیشتر شده و میزان تحصیلات دانشگاهی هم در این سال‌ها رشدی تورمی داشته است. به اینها باید گسترش چشمگیر شهرنشینی و کم‌رنگ شدن زیست روستایی در بافت اجتماعی ایران را هم اضافه کرد که طبیعتاً همه باید به نفع سینما تمام می‌شدند؛ اما در عمل چیز دیگری دیده می‌شود.

در بررسی علل افول استقبال مردم ایران از سینمای داخلی تا به حال عوامل مختلفی مورد توجه قرار گرفته‌اند و نبود تنوع ژانر، فیلم‌نامه‌های ضعیف و موارد دیگری از این دست که عموماً به کیفیت فیلم‌ها اشاره دارند، پرتکرارترین عناوین در این زمینه هستند. برای ریشه‌یابی اینکه ما چرا فیلم‌نامه‌های مان ضعیف است و فیلمسازان ما یا را از دایره کلیشه‌ها بیرون نمی‌گذارند، به‌نبود شایسته‌سالاری در گزینش عوامل سینما و تأثیر رانت و پول و پارتنی در توفیق افراد برای فعالیت حرفه‌ای در سینما اشاره می‌شود. پیش از این گفتمه‌ی شداگر سینماخصوصی باشد، تولیدکنندگان که از پشتوانه بودجه‌های دولتی برخوردار نیستند، ناچار خواهند شد به‌جای نزدیکان و بستگان و وابستگان‌شان، از افراد شایسته استفاده کنند؛ چون بازار آزاد با کسی تعارف ندارد و همین سینما را مجبور می‌کند از آنهایی که واقعا می‌توانند ذهن مخاطب را به دست بیاورند، استفاده شود. اما حرکت سینمای ایران به سمت آنچه که خصوصی نامیده می‌شده در ۱۰ سال گذشته، داستان‌های پولشویی و فسادهای مالی را در این حوزه رقم زد و تصویری از یک بن‌بست کامل در مسیر خود را جلوی چشم ناظران قرار داد. مشکل اصلی سینمای ایران چیست؟ چرا هر راهکاری که برای آن ارائه می‌شود، چندی بعد خودش تبدیل به معضلی جدید شده است؟ آیا واقعا باید از سینمای ایران دل کند و مصنوعی بودن حیات آن را به‌عنوان یک جبر محتوم بپذیرفت؟ حقیقت این است که بررسی سینوس سینمای ایران در سال‌های گذشته، بدون در نظر گرفتن نقش بازی‌های سیاسی و دولت‌های مختلفی که در این سال‌ها روی کار بوده‌اند، مثل بستن

اسب‌ها به پشت درشکه است و هیچ تحلیلی را پیش نمی‌برد. از سال ۶۸ تا به حال هم تحولات جهانی که

روی فضای گفتمانی، اجتماعی و فرهنگی ایران تأثیر گذاشته‌اند، فضا را از فصل‌های پیشین تاریخ سینمای ایران جدا کرده‌اند و سیاست‌هم‌به‌مثابه‌ی بادی که وقتی بود، به همه روزه‌ها ورود می‌کند، ترکیب طبیعی سینمای ایران را به هم زده است. با تک‌قطبی شدن جهان و تسلط هالیوود بر عرصه فرهنگ جهانی، عصر قهرمان‌ها تمام شد و ابر قهرمان‌های مکانیکی مارول و دی‌سی کامیکس جایشان را گرفتند. از طرفی سینمای آلترناتیو و پیش‌رو هم کم‌کم محو شد و تمام صحنه را مین استریم یا همان جریان غالب تجاری فرا گرفت. این یعنی ترویج یک سبک به‌خصوص از زندگی که زیست‌بوم‌ها و هویت‌های منطقه‌ای را کم‌مقدار می‌کرد و به‌عبارتی صریح و خلاصه ارزش‌های محافظه کاری و سرمایه‌داری را ترویج می‌داد. همزمان با شروع این جریان در مقیاس جهانی، در ایران هم دولتی سرسر کار آمد که به سیاست‌های اقتصاد آزاد اعتقاد داشت و روند ریل گذاری این دولت در شئون مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در این ۳۰ سال به‌تناوب و با فراز و فرودهایی در زمینه‌های مختلف، توسط چندین و چند تیم اجرایی دیگر که سر کار آمدند همچنان ادامه پیدا کرد. اینکه حیات سینمای ایران شکل مصنوعی پیدا کرده به همین جهت است و با تدبیرهای جزئی و سرپایی که این بستر یکسان ۳۰ ساله را در نظر نمی‌گیرند، نمی‌شود به داد سینمای ایران رسید. در این ۳۰ سال، سینما از مخاطبان اصلی اش فاصله گرفت و سعی کرد این وضع را با آمارسازی لا‌پوشانی کند. با زدودن نقابی که بر ظاهر سینمای ایران گذاشته شده و نگاه به داخل معما، اصلی‌ترین دلیل افول یا حتی می‌شود گفت سقوط را باید در محو شدن عدالت اجتماعی دید که یکی از نمودهای اصلی آن، فرهنگ و رسمیت یافتن سبک زندگی یک طبقه به‌خصوص در زیست‌بوم ایرانی و غیر رسمی شدن فرهنگ‌های دیگر پیدا کرد.

سهم تهران از کل فروش سینمای ایران در این سال‌ها به‌شدت افزایش پیدا کرده و در خود تهران هم سهم سالن‌های شیک مناطق اعیان‌نشین از باقی شهر به‌شدت بالاتر رفته است. دیگر وقتی می‌گویند فلان فیلم پر فروش‌ترین اثر سال شده و این یعنی مردم چنین درون‌מהیایی را می‌پسندند، بلافاصله باید گفت کدام مردم؟ طبقه متوسط رو به بالای شهری، تمام مردم ایران نیستند. سینما در دوران اوج رونق و شکوه خود، اصلی‌ترین نفوذ را در میان طبقات فرودست داشت و برای آنها فیلم می‌ساخت. اما هنری که متعلق به طبقه سوم تئاترنیک باشد، در برخورد با کوه یخ

۹ تا پیش از سال ۶۸

پیش از انقلاب، حکومت پهلوی سیاست منظمی برای هدایت افکار عمومی با ابزار سینما نداشت و همین باعث می‌شد که بعضی از رفتارهای تبلیغی حکومت، در نهایت علیه او به ضررش تمام شوند. در دهه ۱۳۴۰ شاه برای از میان بردن طبقه مالک به‌عنوان رقیب سرخست طبقه دولتی و نیز ترس از یک انقلاب دهقانی و امید به صنعتی کردن کشور، طرح اصلاحات ارضی را به مرحله اجرا گذاشت و تلاش کرد روستاییان را در برابر زمین‌داران بزرگ بسیج کند. به همین جهت حکومت پهلوی در همان دوره دست به کار سفارش تولیداتی سینمایی درخصوص زندگی دهقانان شد. در ابتدا اکثر فیلم‌هایی که با این مضامین ساخته شدند، موفق نبودند تا اینکه بالاخره در ۱۳۴۴ «گنج‌قارون» ساخته رشید یاسمی، موفق شد در گیشه توفیقاتی به‌دست بیاورد. «گنج‌قارون» برای یک‌آشتی طبقاتی ساخته شده بود. سیاست شاه برای تبلیغ

فرهنگ

ده سینمای پر تماشاگر ایران از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹

ردیف	نام سینما	نام شهر	تعداد سالن	متوسط تعداد صندلی	تعداد تماشاگر	متوسط قیمت بلیط (ریال)	میزان فروش (ریال)
۱	هویزه	مشهد	۱	۳۰۵۰	۷۶۴۴۸۳۱	۱۱۶	۸۳۹۴۱۵۰۷۰
۲	آفریقا	مشهد	۱	۱۰۵۶	۶۲۰۸۲۱۳	۱۱۵	۶۹۴۲۸۲۴۵۰
۳	آسیا	شیراز	۱	۷۳۰	۵۵۹۷۸۸۳	۱۰۷	۵۸۰۲۸۴۳۶۰
۴	۳۹ بهمن	تبریز	۱	۱۱۴۶	۵۲۱۳۰۵۷	۱۰۱	۵۳۰۲۹۳۰۹۰
۵	ایران	شیراز	۱	۹۲۰	۵۱۶۱۲۳۳	۸۸	۴۵۴۱۹۶۳۱۰
۶	آفریقا	اصفهان	۱	۹۰۰	۵۰۶۷۸۹۷	۹۵	۴۸۴۸۸۰۶۳۰
۷	بهمن	شیراز	۱	۶۰۳	۴۸۳۰۸۰۸	۸۸	۴۲۶۵۸۲۵۴۰
۸	میرزا کوچک خان	رشت	۱	۸۰۲	۴۵۰۷۷۲۱	۱۱۹	۵۴۷۲۳۳۶۷۰
۹	آزادی	تهران	۱	۹۴۹	۴۴۶۸۲۸۶	۱۵۴	۶۶۵۲۸۲۱۰۰
۱۰	انقلاب	رشت	۱	۸۷۷	۴۴۴۲۷۰۰	۱۲۸	۵۴۹۶۲۷۶۰۰

ده سینمای پر تماشاگر ایران در دهه ۷۰

ردیف	نام شهر	نام سینما	تعداد سالن	تعداد صندلی	تعداد تماشاگر	متوسط قیمت بلیت (ریال)	میزان فروش (ریال)
۱	مشهد	هویزه	۳	۱،۹۷۷	۹،۴۰۹،۴۷۸	۱۱۶۰	۱۰،۹۱۹،۲۱۰،۵۵۰
۲	مشهد	افریقا	۱	۱،۰۵۲	۷،۵۷۵،۱۹۵	۱۰۴۶	۷،۹۲۷،۰۰۸،۷۰۰
۳	تهران	عصر جدید	۳	۸۴۸	۶،۳۴۶،۷۵۵	۱۹۸۵	۱۲،۵۵۸،۶۳۳،۲۸۰
۴	اصفهان	افریقا	۱	۸۳۷	۵،۷۲۹،۳۸۵	۱۲۴۲	۷،۱۱۵،۹۹۴،۵۴۰
۵	شیراز	آسیا	۱	۷۶۰	۵،۶۴۶،۸۲۸	۱۰۰۰	۵،۶۴۸،۹۵۹،۱۹۰
۶	کرج	هجرت	۲	۷۱۵	۵،۴۸۰،۳۲۰	۹۱۲	۴،۹۹۶،۰۰۱،۳۰۰
۷	اصفهان	قدس	۱	۹۰۹	۵،۲۵۹،۰۷۷	۱۲۲۳	۶،۴۲۲،۸۴۴،۱۳۰
۸	اصفهان	ایران	۱	۸۸۲	۵،۰۵۵،۶۶۳	۱۲۷۰	۶،۴۱۹،۹۳۳،۱۷۰
۹	تهران	قدس	۱	۶۶۹	۴،۹۹۹،۶۵۳	۱۹۳۷	۹،۶۸۴،۹۶۲،۶۰۰
۱۰	شیراز	ایران	۱	۹۴۰	۴،۸۵۶،۳۹۳	۸۶۲	۴،۱۸۳،۷۸۵،۲۵۰

انقلاب سفید توسط ابزار سینما میان روستاییان، باعث شد که برای مردم مناطق مهاجرنشین جنوب شهرها و شهرستان‌های مختلف کشور، سالن‌های سینما ساخته شود و بعد از ساخته شدن این سالن‌ها، ساموئل خاچیکیان که هیچ‌کاک سینمای ایران لقب گرفته بود و تآمدت‌ها با فیلم‌های معمایی و بورژوا پسند، سلطان گیشه‌های سینمای ایران بود، کم‌کم از سکه افتاد. ولی «گنج قارون» فقط یک شروع بود و شاه وقتی که پای محذوفان فرودست را به سالن‌های سینما باز کرد، در حقیقت باعث شد تا راه فیلم‌هایی مثل «قیصر» باز شود که شورش گرانه و عدالت‌خواه بودند. «قیصر» را یکی از عوامل متعددی می‌دانند که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشت و به هر حال، محمدرضا پهلوی بی‌اینکه بدانند این کار چه نتایجی را برای او در بر خواهد داشت، باز کردن پای فرودستان به سالن‌های سینما خودش را نابود کرد. تا اینجا ی کار سیاست‌های لیبرالی بدون پیوست‌های حساب‌شده فرهنگی اجرا می‌شدند و در نهایت با قدرت تمام ضد خودشان را تولید می‌کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی، سهم شهرستان‌ها از کل تماشاگران سینمای ایران همچنان بالا ماند و این موضوع این بار برخلاف حکومت پهلوی، با اهداف نظام سیاسی جدید همخوانی داشت.

۹ دولت سازندگی

دولت سازندگی که از ۱۳۶۸ شروع شد و ۱۳۷۶ ادامه پیدا کرد به‌رغم عزم جدی اش برای ایجاد تغییرات عمده در افکار عمومی، برای استفاده از ابزارهای هنری، در جهت هموار کردن این مسیر تدبیر

ده سینمای پر تماشاگر ایران در دهه ۸۰

ردیف	نام سینما	نام شهر	تعداد سالن	متوسط تعداد صندلی	تعداد تماشاگر	متوسط قیمت بلیت (ریال)	میزان فروش (ریال)
۱	فرهنگ	تهران	۲	۶۰۰	۴،۵۸۱،۶۴۵	۱۴۴۷۴	۶۶،۲۱۶،۲۳۰،۰۰۰
۲	ایران	تهران	۴	۸۶۵	۴،۵۰۲،۷۴۰	۱۲۲۵۷	۵۵،۶۴۰،۰۷۴،۰۰۰
۳	عصر جدید	تهران	۳	۸۲۴	۴،۱۲۴،۴۴۸	۱۰۷۱۴	۴۵،۳۸۹،۲۷۵،۵۰۰
۴	هویزه	مشهد	۳	۱،۶۸۵	۴،۱۸۱،۹۳۵	۷۱۰۰	۲۹،۶۹۲،۹۶۸،۰۰۰
۵	قدس	تهران	۱	۶۹۹	۳،۵۱۲،۱۳۲	۱۰۸۶۳	۳۸،۱۵۴،۶۷۱،۰۰۰
۶	مرکزی	تهران	۵	۳،۰۹۹	۳،۰۹۸،۶۶۱	۱۱۷۸۹	۴۱،۲۴۴،۹۰۵،۰۰۰
۷	افریقا	مشهد	۱	۱،۰۳۰	۳،۴۱۷،۱۸۲	۷۲۴۰	۲۳،۸۳۲،۲۷۱،۰۰۰
۸	افریقا	تهران	۱	۹۵۴	۳،۰۱۶،۸۹۲	۱۲۶۵۶	۳۸،۱۸۲،۱۱۵،۰۰۰
۹	قدس	اصفهان	۳	۸۸۷	۲،۰۹۶،۸۴۱	۱۰۳۰۵	۳۰،۲۷۹،۵۲۹،۵۰۰
۱۰	افریقا	اصفهان	۱	۷۷۲	۲،۸۷۵،۶۷۱	۹۲۹۶	۲۶،۲۲۲،۹۸۶،۰۰۰

۳ سالن سینمایی پر فروش در فاصله سال های ۹۱ تا ۹۷ (رقم فروش میانگین ماهانه به میلیون تومان)					
سال	سینمای اول (تهران)	فروش سینمای اول	سینمای دوم (تهران)	فروش سینمای دوم	سینمای سوم
۹۱	آزادی	۲۵۲	ملت	۱۸۰	پردیس زندگی (تهران)
۹۲	آزادی	۳۹۰	ملت	۲۲۲	پردیس زندگی
۹۳	آزادی	۵۶۵	کوروش	۴۹۷	(پردیس هویزه مشهد)
۹۴	کوروش	۸۶۲	آزادی	۶۴۳	پردیس هویزه
۹۵	کوروش	۱۷۳۰	آزادی	۸۹۴	پردیس هویزه
۹۶	کوروش	۱۳۰۰	ازادی	۷۳۰	پردیس هویزه
۹۷	کوروش	۲۲۸۷	آزادی	۱۰۲۳	باغ کتاب

متوقف شد و حتی مقداری هم پایین آمد. اما تغییرات چنان که بتوانند چپینش صحنه را به قبل از سال ۶۸ برگردانند، نبود. این دولت سهم تهرانی‌ها را ۵۴ درصد تحویل گرفت و ۵۰ درصد تحویل تیم بعدی داد. در ضمن، مخاطبان سینما هم در این هشت سال ۴۰ درصد ریزش داشتند. بعضی از فیلم‌های سخیف و سطح پایین که در این هشت سال ساخته شدند، اگرچه نمونه‌هایی دست‌چندم برای سینمای گنج قارونی به‌حساب می‌آمدند، اما فیلمسازی ایران را مجدداً به آستانه قیصری شدنش نرساندند.

۹ دولت تدبیر و امید

دولت تدبیر و امید گذشته از شئون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اش، در عرصه فرهنگ ترکیبی از دوره‌های سازندگی، اصلاحات و حتی آبادگران بود. بی‌توجهی به فرهنگ در کنار استفاده ابزاری از آن برای ترویج یک سبک به‌خصوص زندگی، از دوره‌های سازندگی و اصلاحات به این دوره رسیدند و سرگرمی‌های سطح پایین، کم‌دی‌ها و مولودرام‌های سخیف و موارد دیگری از این دست، از دولت قبل به آن سرایت پیدا کرد و حفظ شد. تیم فرهنگی تدبیر و امید، در چهار سال ابتدایی اش نسبت‌های مخاطبان تهران و شهرستان‌ها را به سال پایانی دولت اصلاحات بازگرداند و با ساختن چند پردیس سینمایی در شمال شهر تهران، مسیر را در جهت تشدید این شکاف قرار داد. برای اولین بار در دولت تدبیر و امید بود که سالن‌های نمایش فیلم در حاشیه مجتمع‌های تجاری ساخته شدند و چهار دهه بعد از انقلاب، فرهنگ عملاً طفیلی سرمایه شد.

خاصی نداشت. به عبارتی کارگزاران دولت سازندگی حواس‌شان به سینما نبود و همین باعث شد که در آن هشت سال نسبت تماشاگران شهرستانی به تهرانی‌ها دست نخورده باقی بماند. اما این عدم توجه فقط منشأ خیر نبود و باعث ریزش شدید مخاطبان در این سال‌ها هم شد. در دولت سازندگی تعداد مخاطبان سینمای ایران به رقمی کمتر از نصف کاهش پیدا کرد و جالب اینجاست که شروع این روند نزولی، سال ۱۳۷۰ است؛ یعنی سالی که «عروس» بهروز افخمی نمایش داده‌شد و مجوز ستاره‌سازی و جولان سلبریتی‌ها در سینمای بعد از انقلاب برای اولین بار صادر شد.

۹ دولت اصلاحات

دوران اصلاحات به‌لحاظ سیاسی نوع پیوستگی عمقی با دوران سازندگی داشتن و رئیس این دولت که خودش در دولت قبل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، به‌استفاده از ابزار سینما برای پیشبرد همان سیاست‌ها توجه داشت و سیاست‌های لیبرالی و توجه به تجملات زندگی شهری، سینمای ایران را در این هشت سال به سمتی برد که درصدهای مخاطبان تهران و شهرستان را با یک زلزله چند ریشتری جای‌جا کرد. در دوم خرداد ۱۳۷۶ تنها ۲۷ درصد از تماشاگران سینمای ایران، تهرانی بودند و در ۳۰ تیر ۱۳۸۸ که کلید سعدآباد تحویل رئیس جمهور بعدی داده‌شد، این نسبت به ۵۴ درصد، یعنی دقیقاً دو برابر مقدار قبلی اش رسیده بود.

۹ دولت مهرورزی

در دولت نهم که به دولت مهرورزی هم مشهور بود، روندی که در هشت سال پیش از آن به راه افتاده بود،

